

بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

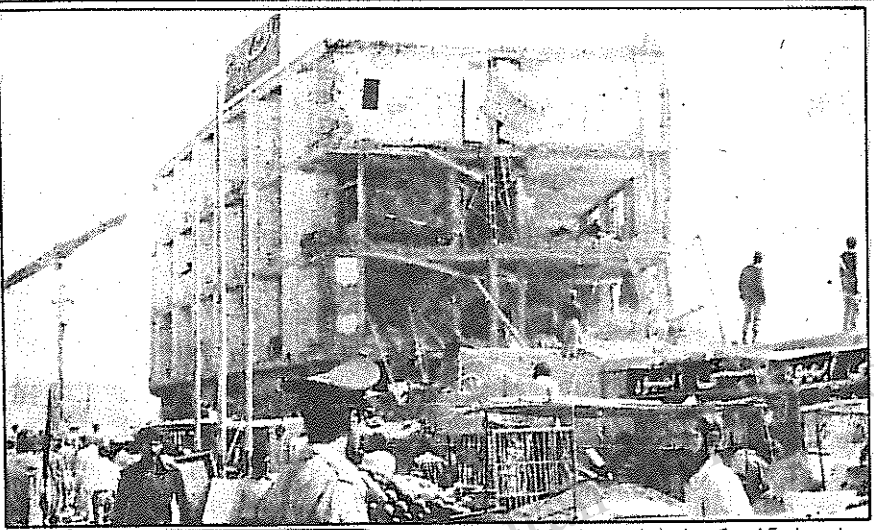
پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۵۹ بهای ۵

خبرنامه جنگ ۵

- سیاست رژیم گوشت دم توپ یا اجرای مقررات زمان جنگ صفحه ۲
- فرماندهان ارتش فرار کرده و با ارتش عراق همکاری می کنند صفحه ۳
- جواب دندان شکن کارگران به جنگ ناعادلانه سرمایه داران صفحه ۳

جنگ و خیانت رویونیستها

صفحه ۴



اینجا میدان آزادی کرمانشاه است. بدآشگاه این سنگساز آزادی توسط بمب های ارتجاع تخریب گشته است.

چه کسانی از جنگ ایران و عراق سود می برند؟

امروز حدود ۵ هفته از جنگ میان ایران و عراق میگذرد. در این ۵ هفته متجاوزان از هزاران نفر از مردم ما و عراق چه در جبهه جنگ و چه در زیر آوارگان خود را از دست داده اند، بیش از هزاران خانواده که در نقاط جنگ زده زندگی میکردند، آوار شهرهای دیگر شده اند. در این ۵ هفته بسیاری از مراکز صنعتی و نفتی ایران و عراق بکلی منهدم و غیرقابل استفاده شده هزاران تانک، هواپیما، هلیکوپتر و سایر وسایل جنگی از بین رفته است. در این ۵ هفته ...

براستی با این همه تکلیت و بدبختی، خسارت و تلفات که جنگ بسیار آورده، چه کسانی از ادامه آن سود میبرند؟ بانگای کوتاه به لابلای اخبار روزنامه ها بخوبی پی میبریم که واقعا چه کسانی از این جنگ سود میبرند. در این روزنامه ها این خبرها چشم میخورد. دولت کاترین استفاده از این موقعیت بچندین پیش چها رهوا بیما ی آواکس تحویل رژیم ارتجاعی عربستان داد. آمریکا اخیرا تعدادی موشکهای ضد هوایی "هاوک" تحویل عمان داد. عراق برای حراست از بقیه تجهیزات اتمی خود که ساخت فرانسه میباشد، موشکهای زمین به هوای "کروتال" بقیه در صفحه ۴

داشتن مسکن، حق مسلم کوچ کنندگان کرمانشاه

در روز ۷/۹ عده ای از آوارگان قصر شیرین که در اردوگاه های اطراف کرمانشاه نظیر: سراب نیلوفر، و شهرک آنا هیتا اسکان داده شده اند بدلیل عدم جای کافی و سرپناه موقت (استانداری کرمانشاه برای اینکه آنها را وادار نماید در زیر آتش گلوله و خمپاره به قصر شیرین برنگردند، عمدا از جهت رفاهی آنها را تحت فشار می گذارد) تصمیم میگیرند به هتل سروش (داریوش سابق) رفته و آنجا را برای زندگی موقت خود به تصرف در آورند. این عمل زحمتکشان و آوارگان با بقیه در صفحه ۲

کودتاجیان در خدمت رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ما هیت طبقا تئیس سرسپردگان و کودتاجیان را به فعالیت فرا میخواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلق کرد استفاده میکند. رژیم بتازگی ارتشیان را که اخراج و بنا زندانی بودند و یا در کودتای سنگین اخیر شرکت داشته اند دوباره بکار گرفته بقیه در صفحه ۸

دستگیری هواداران سازمان

صفحه ۸

گوشه های مختلف جنگ

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سیاست رژیم: گوشت دم توپ یا اجرای مقررات زمان جنگ

ادامه جنگ ارتجاعی و تحمیلی رژیم - های ایران و عراق و مبارزان بی وقفه شهرها و روستاهای خوزستان و غرب کشور بوسیله مزدوران رژیم بعث عراق، مردم بیدفاع و زحمتکش این مناطق را وادار به ترک خانه و کارخانه خود نموده است. رژیم جمهوری اسلامی بدون اینکه قادر باشد کوچکترین پناهاگه و حمل امنی برای مردم جنگ زده ای که در زیر باران بمبها و توپ - ها و تانکهای روسی ارتش عراق هستی خود را از دست میدهند، فراهم نماید - عناوین مختلف کوشش میکند از کوچ مردم این شهرها جلوگیری نماید و چون تبلیغات گوش کرکن رادیو و تلویزیون و روزنامه - های کاری از پیش نمیرد به تهدید و ارباب دست میزند. "ستاد امنیت" اهواز اعلامیه پشت اعلامیه میدهد که با "فراریان از شهر" چنین و چنان خواهد کرد. استانداری خوزستان با انتشار اعلامیه ای از کلیه ادارات و موسسات دولتی میخواند که "همه روز و لیست حضور و غیاب کارکنان خود را در پایان وقت اداری به استانداری ارسال کنند" و به کارکنان اخطار میکند که "در صورت عدم حضور در ادارات مربوطه براساس مقررات زمان جنگ با آنها رفتار میشود." (کیهان سه شنبه ۱۲ مهر ۵۹) آموزش و پرورش معلمین را با زور به مدارس خالی از دانش - آموز میکشاند تا به انتظار اصابت بمب و خمپاره نباشی های بشینند! استانداری بوشهر اطلاعیه ای مشابه با تهدید و ارباب همتای خوزستانی اش میدهد "موازی - قانونی زمان جنگ" را برخ کارمندان غایب میکشد (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر ۵۹) "امام جمعه" شیراز آیت الله دستغیب در نماز جمعه به کسانی که در روندار خود را کرده و به شیراز کوچ کرده اند زشت ترین نسبت ها را داده و بدترین توهین ها را می - نماید از مردم شیراز میخواند که به - بر روی زنان این کوچ کنندگان تف کنند!! سپاه پاسداران شیراز نیز طی اطلاعیه - های مردم جنگ زده جنوب را که حاضر نیستند "گوشت دم توپ" جمهوری اسلامی شوند "وطن فرشان بزدل" و ستون پنجم دشمن "و شایعه ب.ا.کن" می نامد. رفقای هوادار سا زمان در شیراز با پخش اعلامیه ها و تبلیغات انقلابی سیاستهای رژیم را در مورد زحمتکشان جنگ زده افشا کرده اند. در یکی از این اعلامیه - ها آمده است:

"در خیابان آنها را دستگیر میکنند، مردم نا آگاه را بر علیه آنان تحریک مینمایند و با لخره سپاه پاسداران ضد انقلاب اعلامیه ای تحت عنوان "هشدار به همشهریان عزیز در مورد فراریهای جنگ خوزستان" صادر میکنند و دست به انواع فحاشی و هتاکتی نسبت به آنان میزند. سپاه پاسداران که دیگر دستش تا مفرق بخون کارگران دهقانان و خلقهای ما آلوده است، جوانانی را که مردم شیراز را به فلاکت و شکستی که گریبانگیر مناطق جنگ زده است آشنا میسازند و نیات جنگ طلبانه رژیم را برای مردم افشا میکنند، "قراری از جنگ"، "وطن فروش"، "بزدل" و "توکران حلقه بگوش آمریکا" میخواند. در حالیکه اینان فقط مردمی هستند که میبینند جنگ هیچ منفی بحال توده ها ندارد. ونمی خواهند گوشت دم توپ ارتجاع بشوند. "رفقای هوادار در شیراز در اعلامیه دیگری ضمن افشای تبلیغات سردمداران رژیم علیه هم میهنان جنگ زده - ای که با اعتراض و افشاگری ماهیت جنگ ارتجاعی وضع توده های جنگ زده را توضیح میدهند مینویسند:

"بله، ارتجاع از این "شایعه پراکنی" - ها و در واقع افشاگریهای هموطنان خوزستانی وحشت دارد، چرا که این افشاگریها هر چه بیشتر و راسوا میکند ارتجاع بقدری بدست و پا افتاده که از توهین و تهمت به زنان زجر کشیده ای که از زیر آتش توپ و خمپاره به شهر - ما پناهنده آورده اند و چه بسا عزیزان خود را از دست داده اند، ابائی ندارد و آنها را عربان "و... میخواند."

سرپرست شرکت نفت در مناطق جنوب نیز بیکارانمانده است. او در اطلاعیه ای مردمی را که خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره شهرها و روستاها گشته اند "فدایان" میخواند. در این اطلاعیه آمده است که اگر کسی محل خدمت خود را ترک کند، این عمل بمنزله استعفا تلقی خواهد شد و چنین کسی "مشمول مقررات زمان جنگ" قرار خواهد گرفت. برای بورژوازی جان مردم پیشیزی ارزش ندارد. از دید آنان زحمتکشان برای این خوبند که بر تولید بیافزایند و بقیامت استشاران جیب سرمایه داران بشود، حتی اگر مجبور شوند زیر بمبها

گلوله های توپها جان خود را از دست بدهند اما زحمتکشان میهن ما که ماها در برابر تا نکنها و مسلسلهای آمریکائی رژیم وابسته شاه قدسی به عقب ننهند و در راه انقلاب حماسه ها آفرینند، حاضر نیستند فدای تمايلات شوم رژیمهای عراق و ایران گردند. آنها میدانند که جنگ تحمیلی غیر - عادلانه برای زحمتکشان جز درماندگی، نگون بختی و آوارگی و... ارمان دیگری نخواهد داشت. ■

بقیه از صفحه ۱ داشتن مسکن...

عکس العمل شدید فدا لانرها روبرو شده و آوارگان مقاومت میکنند و با آنها درگیر میشوند و چند نفر از فدا لانرها را مضروب می - نمایند. بعد از درگیری، شهربانی و سپاه هم وارد عمل میشوند. ولی قبل از آمدن آنها، آوارگان بدودسته پیاپی ده و سواره تقسیم شده و افرادی ده بطرف شهربانی به راهیما بی پرداختند و زنان و کودکان همسوارما شین های باری در شهر به گشت میپردازند:

آوارگان زحمتکش قصر شیرین بارشین شهربانی و پاسبانها گلاویز میشوند که در این جریان "سرهنگ صمیمی" رئیس شهربانی - بشدت مضروب میشود.

آوارگان میگفتند وقتی این آقایان سپاه و غیره در کرمانشان راحت خوابیده بودند ما زیر گلوله بودیم و الان ۶ مساه است که شب و روز زیر ضربات جنگ هستیم و الان همه علت موقعیت جنگی قصر شیرین و بی دفاع بودن و عدم پشتیبانی ارتش از ما، نمیتوانیم برویم و وقت کشته شویم. روز ۷/۱۲، مردم آواره زحمتکش قصر - شیرین را به زور سوارما شینها میکنند و از شهرکها به قصر شیرین میفرستند و مقابل اعتراض آنها جواب میدهند: ما اینجانان اضافی و مواد غذایی نداریم که به شما بدهیم و شما باید بروید و در قصر - شیرین بجنگید.

زحمتکشان ما هر لحظه در زندگی خود به ما هیت ارتجاعی این جنگ پی میبزنند و با لخره روزی خواهد رسید که این فریادهای اعتراض به خشم انقلابی بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تبدیل شود! امروز خواست زحمتکشان شهرهای جنگ زده قطع جنگ بوده و تا زمانی که این جنگ لعنتی به پایان نرسیده تصرف مراکز دولتی و خانه متعلق به سرمایه داران حق مسلم آنهاست. ■

مصاحبه با خلبانان: افشای رژیم

"سیمای جمهوری اسلامی" در روز ۲۱ مهر با خلبانان هوا نیروی مواجیه ای انجام داد. گرچه اینگونه مصاحبه ها بمنظور "قهرمانی" کردن ارتش و در واقع تظهير ماهیت جنايتكارانه آن صورت ميگيرد. مع ذلک خود افشاگر رژیم جمهوری اسلامی است: خبرنگار خطاب بيکي از خلبانان ميگويد: "سروان خلبان غلامرضا شهپرست شما مثل اينکه تاکنون رشادتهاي زيادي از خود نشان داده و بدرجات زيادي مفتخر شده ايد؟" و سروان نيز پاسخ ميدهد: "بله، من کاري نکردم، من فقط با يک هليکوپتر ۱۳۸، تانک را منهدم کردم (۱) بقیسه خلبانان از من ورزیده ترند جا لب است بدا نیم که سروان خلبان غلامرضا شهپرست کسی است که در بمباران کردستان "رشادتهاي" فراواني از خود نشان داده و تمام ترقیات و درجات را نيز بخاطر خوب بمباران کردن خلق کرد، گرفته است. چندی پيش نيز عکس او به همراه چند خلبان سرکوبگر ديگر بوسيله "پرسنال انقلابي ارتش" در اعلاميه اي افشاگرانه چاپ شده بود. برآستي که سروان شهپرست، "شا پرست" است که اينچنين به کشتار مردم بي دفاع ميپردازد! ■

جواب دندان شکن کارگران به جنگ نامعادلانه سرمايه داران!

روزده مهرا زکا رگران زحمتکش بخش ساختمانی شرکت نفت خواسته میشود که برای جنگ اعلام آمادگی کنند و به جبهه جنگ بروند. کارگران جواب دندان شکنی به آنها میدهند. از جمله جواب یکی از کارگران زحمتکش به آنها که نمايا نگر نفرت عمیق وی از سرمایه داران و رژیم سرمایه داری و بی شریودن این جنگ برای زحمتکشان است. چنین است: "من با چه تضمینی به جنگ بروم و کشته شوم؟ فردا زن و بچه هايم را کي نگاهداري ميکنند، کي به آنها غذا ميدهد و زندگی آنها را تامین ميکند؟ من بروم و خودم را فدای حکومتی کنم که بهشتی ورفسنجانی و بازرگان و بنی صدر از سر دم داران آن هستند؟ عمروجان مفتی که ندارم، از جانم هم سیر نیستم، الکی هم نمی خواهم شهید شوم. ■"

در بمباران پالایشگاه تبریز نیز زحمتکشان کشته و زخمی شدند

دقیقه بعد از خطر بمباران در میاید و یا آتشبارهای هوایی شروع بسه شلیک میکنند، هر وقت هم میخواهی حرف بزنی میخواهند سر آدم را ببرند" یکی از کارکنان میگفت: "مسئله این نیست که امروز این اتفاق افتاده است، بلکه ما در روزهای آینده هم دچار چنین مصیبت ها هستیم." مردم نسبتا زیادی در بیمارستان جمع شده بودند و با چهره های برافروخته و پر خشم دنبال کم و کیف جریان بودند. یک زحمتکش میگفت که "دیروز هوا - پیمای های ایرانی عراق را بمباران کرده - اندا امروز شاهد این باشیم که آنها تلافی حمله دیروز را بکنند. در جنگ غیر عادلانه و تحمیلی که رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق خلق - های دو کشور را دامه میدهند کشته ها و زخمی ها از کارگران و دیگر زحمتکشان خواهد بود و جز آوارگی و بی خانمانی عایدی نصیب آنان نخواهد شد. ■"

حدود ساعت ۹/۴۵ صبح چهارشنبه ۲۲ مهر پالایشگاه تبریز مورد حمله یک فروند میگ رژیم ارتجاعی عراق قرار گرفت. کارگران و تکنسین ها در هنگام حمله هوايي مشغول تعمیر خطوط لوله کسه در حملات قبلی آسیب دیده بودند، بودند. در اثر بمب و رگبار هوا پیمای های عراقی یکی از کارکنان پالایشگاه بنا ملاییر شهید شده و ده کارگر زخمی شدند. یکی از کارکنان از ناحیه دویا آسیب دید و هر دو پایش را قطع کردند بخشی از زخمی ها را با یک وانت بار به بیمارستان راه آهن منتقل کردند. کارگران و تکنسین های که همراه زخمی ها به بیمارستان آمده بودند، انزجار و نفرت خود را از این وضع مخفی نمی کردند. یکی از آنها متاسف از کشته شدن همکارشان میگفت: "این مسئولان مملکت کجا هستند؟ ما هیچگونه ایمنی نداریم، وقتی که هوا پیمای ها حمله میکنند تا زه ۱۵-۱۵

وحشت رژیم صدام از انعکاس جنگ در مردم عراق

* - بگفته یک شياز جبهه نیروهای عراقی ظرف روزهای ۷/۲۵ تا ۷/۲۱ از "دارخوین" گذشته و به "سلمانیه" رسیده اند. "سلمانیه" ۵ کیلومتر است. بر این اساس میتوان گفت که عراق همچون گذشته سریع دست بقدرت نمایی میزند و آرام آرام پیش میرود. از طرفی گفته میشود عراق سعی دارد کمتر از نیروی بیاباده استفاده کند و این امر دلیل سیاسی داخلی دارد. یعنی کشته شدن هر سرباز با توجه به وضع متشنج عراق، وضع حاکمیت را در عراق وخیمتر میکند و به نارضایتی عمومی دامن میزند. به همین دلیل از نیروهای زرهی بیشتر استفاده میکنند. ■"

اعتراض متقاضیان ۵۶ به اعزام آنها به کردستان!

حدود ۵۵ نفر از متقاضی خدمت های ۵۶ را که به پادگان های تهران آورده بودند اول به آنها اعلام کردند که با ایده مگسی آموزش یا تفنگ ۳- را ببینید، عده ای از سربازان اعتراض میکنند که "ما آموزش یا ۳- را دیده ایم و اگر سلاح دیگری ندارید ما را اعزام کنید که آنها پس از تماس با ستاد مشترک و سرگرم کردن سربازان اعلام میکنند که با بدقرعه کشی کنیم و شما را بین آذربایجان، کردستان و خوزستان تقسیم کنیم، متقاضی خدمت های ۵۶ آغا جری اعتراض کرده و او از رفتن به کردستان خودداری میکنند، مقامات پادگان به آنها میگویند که هرگونه سر - بیچی از دستور مطابق قانون زمان جنگ عمل خواهد شد که با آنها روی حرف خود پافشاری میکنند و بالاخره مسئولین در مقابل مقامات آنها کوتاه آمده و آنها را به خوزستان اعزام میکنند بقیه به همین شکل اعتراض کرده و فقط ۱۲ نفر حاضر رفتن به کردستان میشوند و بیهوش

ترتیب آنها را به جبهه جنگ اعزام می - نمایند. این مسئله نشان میدهد که جوانانی که حاضرند به جنگ بروند نمی - خواهند برادر کشی کنند. آنان به علت توهم تبلیغات شوپنیستی ارتجاع خواهان شرکت در جنگ ایران و عراق میباشند. ■"

جنگ و خیانت رویزیونیستها

توده های جنگ زده - رویزیونیستهای
فدایی (اکثریت) را از خود رانده اند

"اکثریت" فدائیان با خواری تمام تنها مانده اند. دیگر از توده ها شیکه در روزهای اول با شوق مسئولیت میخواستند خبری نیست، فقط مسئولین آنها مانده - اند که تحت فرماندهی پاسداران از مساجد تفنگ ۱۶ گرفته و در کوچها نگاهبان می دهند. آنها کاری به مردم ندارند. مردمی که سالها زیر توب و تانگ رژیم شاه مقاومت کردند و بنروزها در مقابل حملات هوایی و زمینی رژیم فاشیستی عراق شهرها را ترک میکنند آنها فهمیده اند که این جنگ جز نا بودی شمری برای آنها ندارد. جوانانی که در دوسه روز نخست جنگ با روحیه خوب آماده امدا بودند پس از اینکه پاسداران همه چیز را تحت هدایت خود گرفتند و اسلحه ندادند، دیگر زیر بار نرفتند. حتی جوانان فعال نیز شهر را ترک میکنند. دیدم مردم نسبت به ما هیت و عملکرد رژیم باز تر شده و اینهمه کشتار را از ما هیت ارتجاعی و تجار و کارخانه هردور رژیم ایران و عراق می دانند. آنها به رژیم جمهوری اسلامی پشت میکنند ولی مرتدان رویزیونیست با آنها پشت کرده و به آستانبوسی ارتجاع میروند.

خوش رقصی رویزیونیستها و تودهنی رژیم به آنها!

مدتهاست که فریاد "ملی و ضدا میریا - لیست" بودن رژیم جمهوری اسلامی، از جانب رویزیونیستهای "توده ای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود و تا کنون با تمام قدرت به تطهیر رژیم پرداخته اند از جمله در جنگ تا عادلانه خیر، رویزیونیستها (خائنین به طبقه کارگر) شعار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این نیت خود را موظف میدانند که در جنگ شرکت کنند چرینها "اکثریت" در هفته های اخیر عده ای از افراد خود را برای جنگ به

قصر شیرین میفرستند، اما بایستی توجهی کامل ارتش و پاسداران مواجه میشوند. نیروهای رژیم تنها هیچگونه هماهنگی و همکاری با آنها نمیکند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه نیز کوتاهی میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هرز رفتن نیروها باشد میگشت، عقب نشینی میکنند. در ضمن حدود یکماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد "حزب توده" آمادگی خود را برای جنگ با حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواهند که در اختیار سپاه و ارتش قرار بگیرند. سپاه، این ۲۵ نفر را و طلب را در عملیات آمادگی مورد تحقیر کامل قرار میدهد و پس از بیابان عملیات آمادگی از پذیرفتن آنها - خودداری میکنند.

شرکت حزب ارتجاعی "رنجبران" در جنگ

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "رنجبران" عده ای را بوسیله اسلحه - و مهمات رژیم جمهوری اسلامی، تجهیز کرده و به جبهه جنگ فرستاده است. این حزب در امقها ن بین بازاریها، نفوذ زیادی دارد. عده ای از بازاریهای این شهر عضو و هوادار این حزب "سه جهانی" و ارتجاعی هستند. آری این فقط "سه جهانی"ها و سایر رویزیونیستها (این خائنین به طبقه کارگر) هستند که با دیدن رژیمهای ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل بسوزانند چرا که حیانتشان در گرو وجود چنین رژیمهایی است. اینان از سرمایه دفاع میکنند و سرمایه داران از اینان!

تصحیح خبر

در خبرنا مه جنگ شماره یک صفحه ۲ در مورد خبری از ماهشهر، اشتباهی رخ داده ضمن بوزش، صحیح آن بصورت زیر است:

۱ - در مورد انفجار تانک آمونیاک، خبر نادرست بوده خبر صحیح چنین است:

"تانک آمونیاک شماره یک سوراخ شده و بهمین دلیل آمونیاک موجود در تانک را به دریا خالی کرده اند، که مقدار آن در حدود ۴۰ - ۳۰ هزار تن بوده است." (پینا) است که سوراخ شدن تانک مذکور بر اثر حمله هوایی بوده است.

۲ - در همان صفحه خبری مبنی بر - مبارزان تا سیسات نفتی ما شهر آسده است که صحیح نمیباشد.

بقیه از صفحه ۱ جه کسانیه

از فرانسه درخواست نموده است؛ شوری ۱۰۰ تانک "پی - ۲۲" تحویل رژیم صدام حسین میدهد؛ ایران از ترکیه و کره جنوبی اسلحه و لوازم بیدکی میخرد؛ ایران از فرانسه درخواست تعمیر هلیکوپتر نظامی خود را کرد و برای این منظور با کارخانه داسوسا زنده میراژ قرارداد میبندد؛ ... اینگونه خبرها نشان میدهد که - امپریالیستها با فروش تسلیحات و تجهیزات و وسائل نظامی خود میلیاردها دلار از این جنگ سود میبرند؛ ما غارتگری آنها صرفا در این زمینه نیست بلکه بسیاری از صنایع از طریق جنگ خسارت دیده اند و پرواضحت که امپریالیستها در این زمینه نیز از طریق فروش و بازاری صنایع آسیب دیده، میلیاردها دلار بچیب می - زنند. بعنوان نمونه خسارات جنگی عراق تا ۴ میلیارد دلار برآورد شده است. و در مورد ایران هم میلیونها دلار به تاسیسات نفتی آسیب رسیده. ولی آیا این تنها امپریالیستها هستند که ادا مه جنگ - نفعشان است؟

خیر این جنگ برای رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق هم منافعی در بردارد؛ هر دو رژیم در منحرف کردن جنبش کشور خود از حربه جنگ استفاده می کنند به این صورت که ذهن مردم را از مسائل داخلی کشور بطرف جنگ جلب میکنند و با تبلیغات کرکننده خود سعی در بسیج مردم برای شرکت در جنگ ارتجاعی دارند.

رژیم سعی میکند با از این موقعیت برای تشدید خفقان و سرکوب جنبش استفاده کند. بنحویکه تنها جم علیه خلق کردار تشدید می کنند و یا مثلا افرادی را که برای آگاهی دادن به مردم به پخش اعلامیه و فروش کتاب - های انقلابی میپردازند را بعنوان ضد انقلاب دستگیر کرده و زندانی میکنند و به این ترتیب ترس خود را از آگاه شدن توده - های مردم نشان میدهد بنا بر این نتیجه اینک این جنگ ارتجاعی برای امپریالیست - ها و رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق بالاترین سودها را چه از نظر مادی و چه از نظر سیاسی در بردارد و در این جنگ تنها کسانی که ضرر و صدمه میبینند توده های خلقهای ایران و عراق میباشند.



رژیمهایی که خلقهای کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

اخبار جنگ در اهواز

(از ۱۷ تا ۲۴ مهرماه)

★ ۵۹/۷/۱۷ - در این روز رژیم مزدور عراق دست به یک حمله به شهرزد. در این حمله بیمارستان های آیدانا و شیر و خورشید، دبیرستان محبوبه متحدین، مدرسه عالی بازرگانی اداره کشاورزی، چندواگن نفتی راه آهن، منطقه راه آهن ورزشگاه تختی انبار بزرگ قیر و روغن موتور شرکت نفت، چندین خانه مسکونی، ۲ عدد مینی بوس و یک تاکسی و یک ماشین شولرت، یک جیب لندر و حامل پاسداران و تعدادی از خیابانهای اطراف آسیب می بینند. علاوه بر اینها بخشی از تاسیسات شرکت نورد دجا رآتش سوزی گردید.

باز هم رژیم جمهوری اسلامی خائنه مردم را تهدید به ماندن در شهر و جمع شدن در یک محل مینماید که تبدیل به گوشه دم توپ شوند.

★ ۵۹/۷/۱۷ - چادر امداد "مجا هدیمن خلق" در خیابان کیان خشیار مورد بیورش پاسداران قرار میگیرد آنها چادر را بر چیده و سه نفر را دستگیر میکنند.

★ ۵۹/۷/۱۹ - کارگران ساختمانی که کرد و آذربایجانی در میان آنها زیادست بیعت جنگ و نبودن کار، اهواز را ترک کرده اند، کارگران حفاری کارشان تعطیل و تحت فشار مالی هستند. یک کارگر حفاری میگفت حتی ۴۰۰ تومان ندارد متاسفانه ترک کنم و دنبال قرض میگفت.

جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان جز آوارگی و بیچارگی و درماندگی چیزی ببار نمی آورد.

در حمله چهار بمب افکن عراقی به صنایع فولاد در ساعت ۶/۵۰ (هنگام ورود کارگران) در حدود ۱۲ نفر از کارگران زحمتکش کشته شده و بیش از ۸۰ نفر زخمی شدند. کارگران از اینکه رژیم جمهوری اسلامی علی رغم بمباران روزانه کارخانه آنها تعطیل نمی کند بسیار خشمگین هستند.

★ ۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراقی به زیتون کارمندی ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه درهم کوبیده میشود. پاسداران فدا انقلاب در شرایطی که اهالی خانه ها هنوز زیر آوار بودند، با حمله وحشیانه خود و شکستن قفل چمدانها بدنیاال اعلامیه و کتا بهای فدا انقلابی! میگشتند. در پاسخ مردم که علت اینکارشان را می پرسیدند میگفتند که: میخواهیم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونیست بود اسمش را می کشیم.

★ ۵۹/۷/۲۴ - درنا حیه ای بنام "دروازه" در مدخل ورودیه محله "زیتون کاری" از ماشینی که چهار سرنشین داشت نارنجکی بطرف مخزن ذخیره نفت که در قسمت آواره پخش است پرتاب شد. اما نارنجک عمل نمی کند. در این هنگام مردم ماشین را متوقف کرده و بجان سرنشینان آن می افتند و آنقدر آنها را کشتک میزنند که بیهوش میشوند. سپس به تحقیق پیرامون تعیین هویت آنها می پردازند. مشخص میشود که سه نفر آنها عراقی هستند که لباس ارتشی بتن داشته اند و روی لباس بلند عربی (دشداش) پوشیده بودند. و راننده ماشین نیز ایرانی بوده است. پس از آن مردم آنها را سوار ریسک مینی بوس کردند تا تحویل مقامات دولتی بدهند.

حال این سوال مطرح میشود که رژیم جمهوری اسلامی وارگانهای سرکوبش که اینچنین هرسوراخ و سنبه ای را بدنیاال انقلابیون میگرداند آنها را دستگیر کرده ترور و شکنجه کنند و مرتب برای کارگران اطلاعیه صادر میکنند که "در صورت خروج از شهر طبق مقررات زمان جنگ با آنها رفتار میشود". اما چگونه میشود که مزدوران عراقی به این راحتی میتوانند داخل شهر بیایند؟

بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم
در تاریخ ۵۹/۷/۲۳، بیعت حملات گسترده ارتش عراق به اهواز، مردم این شهر با هروسیله ای که در اختیار داشته باشند شهر را ترک میکنند. بطوریکه روز به روز به جمعیت آوارگان شهرهای دیگر افزوده میشود.
هرچه حملات عراق وسیع تر و شدیدتر میشود، مردم بیشتر شهر را تخلیه میکنند. روحیه مردم ضعیف شده و وعده ای بناچار در

فکر کردن خندق و جای امن برای خرید هستند. دیگر اغلب مردم نسبت به ارتش رژیم جمهوری اسلامی اعتماد ندارند و بیشتر حرفهای آنها را دروغ میدانند.

رژیم ضد انقلابیون دیروز را اکنون به کار فرآورده است!

روزی ۱۰ مهر را دیو اهوازا اعلام میکنند که: "تمام کارهای پاکسازی شده پزشکی و بهداشتی و پرستاری بیمارستانهای خوزستان خواسته میشود که چون به تخصص آنها احتیاج است، خود را بمحللهای قبلی خدمت خود معرفی کنند، بدیهی است که نحوه کار کردن آنها باعث تجدید نظر در پاکسازی آنها خواهد شد. متن ایمن اطلاعیه و لجن سردمداران رژیم، خود بخود ما هیت مفتضحانه و ضد مردمی آنها را بر ملا میسازد. رژیم کارکنان را میخواهد ولی فقط زمانی که بعنوان بلا اراده او عمل کنند و در خدمت اهداف مرتجعانسه آنها باشند. آنروز که اینها را بیرون کردند، خوشحال از پاکسازی "فدا انقلاب" بودند ولی امروز برای اهداف ضد انقلابی خود، همان به اصطلاح فدا انقلاب را بخدمت میگیرد. لابد بعد از تمام احتیاجش در مورد عناصروا بسته به رژیم سابق که پاکسازی شده بودند، تجدید نظر خواهد کرد و عناصروا را مجددا بجزم "فدا انقلابی" پاکسازی خواهد کرد، ولی حتما اینبار به جرم "شرکت در مذاوای مردم بمباران شده!"

مردم از شنیدن اخبار دروغ به خشم می آیند!

بدنیاال اخبار صدا و سیما جمهوری اسلامی که میگفت "وضع اهواز آرام است گروههای مختلف مردم تنفر خود را بصورت های گوناگون از این اخبار جعلی و دروغ ابراز داشتند. در یکی از محلات حصیرآباد اهواز پیرمردی به محض شنیدن این خبر را دیوی کوچک خود را بشدت بزمین زد و خرد کرد، سپس گفت "از صبح تا حالا ما مورد حمله هوایی وزمینی هستیم، ایمن دروغگویان میگویند اهواز آرام است، امن است شماست که در کارهای منازل امن نشسته اید، نه برای ما که هر لحظه منتظر بمباران هستیم!"

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

فرماندهان ارتش فراز کرده و با ارتش عراق همکاری میکنند

پای صحبت عده‌ای از سربازان که از جبهه برگشته اند میشنیم حاصل گفتگوی ما با سربازان در زیر میاید: همه سربازان متفقا بر این ایمان بودند که خیانت‌های بسیاری توسط سران و فرماندهان ارتش صورت میگیرد، در همان اولین روزهای درگیری در مرز شلمچه، خیلی از فرماندهان از صحنه فراز کرده و خود را تسلیم ارتش عراق کرده و از سربازان نیز میخواستند تا خود را تسلیم کنند، یکی از فرماندهان بلندگورا برداشته و خطاب به همه میگفت: برادران سربازو درجه دار بهتر است که همه ما تسلیم برادران عراقی شویم و بدنبال این گفته خود بفرار از ارتش عراق رفته و صورت آنها را میسود و بدنبال آن عده‌ای دیگر نیز بفرار از عراقیها سرازیر میشوند، سربازان و درجه داران و افسران جزء که این کار را خیانت دانسته و همچنان تا آخرین نفس با ارتش عراق میجنگیدند در همان روزهای اول بسیاری شهید دادند.

فرماندهان ارتش با عراق همکاری می‌کنند

درجه داری که را شنیده تا تک است اظهار داشت: ما یک لشکر بودیم که در "دهلران" در محلی بنام "تنگ خوش" جبهه داشتیم، ۵ روز تمام در این جبهه بودیم و در این مدت فقط یکبار مقدار کمی نان خشک خوردیم، مرتب بوسيله را دیسو تقاضای ارسال کمک میکردیم، بما جواب میدادند که نیرو فرستادیم و سر راه است، ولی هر چه منتظر میماندیم خبری از نیروی کمکی نبود، همه تا نگاهی ما بوسيله آتش توپخانه‌های عراق از بین رفت و در ریسک یورش ارتش عراق ۲۳ نفر از همقطران ما کشته شدند و عده زیادی نیز دستگیر شدند ما فقط ۶ نفر بودیم که توانستیم از درون گردو خاک و دود عقب نشینی کنیم و حالا میخواهیم به پا دگان در فول بروم و خودم را معرفی کنم تا اقلا "صدا انقلاب" شناخته نشیم، این درجه دار از شدت خستگی و گرسنگی لبها پیش خشک و چشمها پیش

گودرفته بود، از یادآوری صحنه متلاشی شدن همقطران پیش بقیض گلویش را گرفته بود و قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد و مرتب به ارتش و فرماندهان آن نفرین می فرستاد.

گفتگوی یک سرباز: در روستاهای

اطراف اهواز (بخصوص حمیدیه) مستقر شدیم، شیون عرب عناصری را با موتور سیکلت بطرف ما فرستادند این عناصری فرماندهان گفتگو میکردند و سپس از آن محل دور میشدند، بعد از مدت کوتاهی گلوله‌های توپ‌های عراق ما را زیر رگبار میگرفت، نمی دانم بین شیون و فرماندهان ارتش و موتور سواران چه را زور می وجود داشته که پس از صحبت آنها رگبار بطرف ما بسته میشود، بدنبال این

آزادی خلبانان کودتاچی، یکی دیگر از خیرات جنگ!

در هنگام حمله همه جا بنه هوای عراق به ایران، بنی صدر به نیروی هوایی رفته است تا نیروها را از زبانی کند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانان نهائی که در رابطه با کودتا دستگیر شده اند، میتوانند عراق را بمباران کنند، بنی صدر از دادستان کل انقلاب میخواهد که تعدادی از خلبانان کودتاچی را آزاد بکند.

جریانات شیون مردم روستاها را جمع کرده و به ما سربازان فشار می‌آورند و میگفتند "شما این جا را تخلیه کنید بهتر است، چون وقتی عراقیها میفهمند که شما (ارتش) در اینجا مستقر هستید، مرتب به اینجا شلیک میکنند و شما بهتر است اینجا را ترک کنید." ما هم بدستور فرماندهان آنجا را تخلیه کرده و عقب نشینی میکردیم، عقب نشینی ما همان بود و پیشروی نیروهای عراقی همان، بمحضی که بدستور فرماندهان عقب نشینی میکردیم نیروهای ارتش عراق جلو آمده و آنجا را تصرف کرده و ما بموضع دفاعی میافتادیم، البته فرماندهان این کار را اینطور توجیه میکردند که "ما بطور تاکتیکی عقب نشینی میکنیم تا دشمن خود را در جنگ ما بیاندازد و بعد ضربه نهائی را به آنها وارد کنیم." خیلی از همقطاران ما که همه آنها سرباز و درجه دار بودند، بوسيله همیسن "تاکتیکیها" آقایان فرماندهان شهید شدند.

دادستان از این کار متناع کرده، بنی صدر پیش ما می‌روند و مسئله را با او در میان میگذرد، اما طی نامه‌ای از دادستان میخواهد که آنها را آزاد کند. بنی صدر به زندان رفته، با خلبانان در مورد آزادیشان و شرکت در جنگ صحبت میکند و سپس آنها را آزاد میکند! واقعا چرا رژیم جمهوری اسلامی افسران سلطنت طلب را بخدمت میگیرد؟ زیرا همه بخشهای صدا انقلاب دارای منافعی مشترکی در برابر برتوده‌ها و انقلاب میباشند!

جنگ تحمیلی موجب تشدید سرکوب سربازان شده است

با شروع و تشدید جنگ تحمیلی رژیم - های ارتجاعی عراق و ایران فشار وارد بر سربازان شدت پیدا کرده است، رفتن فرماندهان با سربازان، بسیار بدتر از رفتار با زندانیان است و بهیچوجه با آنها مرخصی (حتی برای یکی دو ساعت) نمی دهند و کسانی که در اجرائی "اوامر" فرمانده - ان تعلل میکنند سختی تنبیه میشوند و اخیرا روش جدیدی نیز در ارتش ارتجاعی بکار گرفته میشود و آنهم گرفتن "تعهدنامه" است که در صورت تکرار عمل "خلاف" (البته خلاف از دید فرماندهان ارتجاعی) دست فرماندهان را در اتخاذ روشهای سرکوب شدیدتر، باز میگذرد، در یکی از



قوطنه‌های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را منحکوم می‌کنیم!

گوشه‌های مختلف جنگ

اهداد مصائب ناشی از جنگ تا کجاست ؟

۳- در حمله‌ای که روز ۱۹/۷/۵۹ نیروهای عراقی بمردم خرمشهر کردند، حدود ۱۶۰ نفر از نیروهای ارتش ایران کشته شدند. مردم که همان روز بعلت آتش خمسه خمسه عراقیها نتوانستند اجساد سربازان را جمع کنند، روز بعد که مراجع می‌کنند با صحنه دلخراشی مواجه میشوند: سگها مشغول خوردن اجساد بودند لازم به ذکر است که هم‌اکنون مردم و آواره بهداری و بهزیستی آبادان در صدد کشتن این سگها هستند زیرا آنها به خرمشهر رفته و اجساد مدفون نشده آنجا راهم خورده بودند و دچار بیماری‌های گشته اند که با گاز گرفتن مردم این بیماری را منتقل میکنند. اینهم یکی دیگر از مصیبت‌ها بین است که از جنگ ناشی میشود آنهم جنگی که یزد و با خنثی برای زحمتکشان ایران (و عراق) فرقی نمیکند.

اشتباه‌های جناب فرمانده!

روز جمعه ۲۵/۷/۵۹ ساعت یک بعد از ظهر دو فروند میگ عراقی، منطقه بندرماهشهر و تانک‌های سوخت را در محلی موسوم به "بنڈ" مورد حمله هوایی قرار دادند. در این حمله ۶ تانک و مواد سوختی و یک لوله گاز مورد اصابت راکت قرار گرفته، به آتش کشیده میشود و چند نفر از رکنان اداره پخش زخمی میشوند. یکی از ارتشیان می‌گفت: قبلاً از حمله هوایی، از طرف مرکز (آدار) بما گفته بودند که هواپیما خودی است و بطرف آن شلیک نکنید (!) و ما بنا بر سه گفته رادار تیزاندازی نکردیم تا اینکه هواپیماها شروع به بمب‌اندازی کردند، ما بعداً به آنها شلیک کردیم. "این مسئله ناشی از محاسبه دقیق فرمانده بود یا اشتباه‌هایی؟" او؟ کدا میگ؟

شهادت بزرگترین افتخار برای شماست !!

۳- صبح روز ۲۶/۷/۵۹ بیمارستان امداد آبادان مورد اصابت راکت قرار می‌گیرد و ۸ کشته و تعدادی مجروح برجای می‌گذارد این فاجعه موجب برهم خوردن بیمارستان و خرابی روحیه پرسنل آن می‌شود. پرستاران دیگر قادر به کار کردن

نبوده و مدا مگریه میکردند. بخصوص هنگامی که جسد سربازی را به سردخانه می‌بردند پرستاران و دیگر کارکنان ناسازگار دولت میکردند و میگفتند: "آنها در تهران نشسته اند و دستور میدهند" بخصوص به آیت الله‌خامنه‌ای که گفته بود "شهادت بزرگترین افتخار برای شماست" دشنام میدادند. مردم و کارکنان بیمارستان می‌گفتند: "اینها (منظورشان هئیت حاکمه است) خودشان نمی‌توانند بمردم ایران برسند حالا میخواهند برای مردم عراق انقلاب اسلامی صادر کنند". در این گیر و دار راجع است که چند تک‌آور نیز در حیطه بیمارستان گریه میکردند! برآستی که "شهادت" هم برای سران رژیم دکان پر درآمدی شده است!

هنگامیکه روحانیون "مبارز" زخمی میشوند!

چندی پیش آخوندی به نام "سیدهای مدنی" که از ناحیه سر و دست زخمی شده بود به بیمارستان صحرائی "دارخوین" برده میشود. قرار شد او را به هوا منتقل کنند ولی گویا جان ایشان عزیزتر از این است که به هوا منتقل شود. وی اصرار زیاد میکند که او را به تهران ببرند تا مبادا جان "عزیزش" در معرض خطر مرگ قرار بگیرد. او برای اینکه می‌خواست را محکم بگوید میگفت: "با یاد مرا به تهران ببرید یا از اینجا تکان ندهید" "بالاخره این آخوند "مبارز" و "مشتاق بهشت" به آرزوی رسیدن به تهران منتقل شد. جالب اینجاست که این اتفاق همزمان بود با مرگ جوان ۱۶ ساله‌ای که فقط ضربه جزئی به سرش وارد شده بود و امکان بهبودی او وجود داشت اما بر اثر کمبود ابتدایی ترین وسایل پزشکی (برای نوار دستگاہ اکسیژن و...) و کمبود پزشک، قربانی نظام طبقاتی و جنگ ارتجاعی کنونی شد.

فشارها سواران رژیم به آوارگان جنگ

روز ۲۴/۷ در محله "تل" را مهرمز، پاسداری از ابتدای شب خانهای راکت یک خانه آواره جنگ در آن بزم می‌برد، تحت نظر قرار میدهند. (بالباسی شخصی) چند ساعت بعد حدود ۲ پاسدار رژیم ۳ بدست به خانه مزبور هجوم می‌برند و چون هوا تاریک

بود و صاحب خانه در را با زنجیر کرد، از طریق دیوار پاسداران وارد منزل میشوند و نفر از خانه آواره جنگ زده را که وحشت زده بودند، دستگیر و به پاسدار خانه می‌برند. آنها را بجرم "پخش اعلامیه" و "داشتن اسلحه" (!) بازداشت میکنند که روز بعد ۴ نفرشان را آزاد میکنند ولی هنوز از سرنوشت دو نفر دیگر خبری نیست. ■

آقای چمران سهمیاش را میخواهد!

روز چهارشنبه ۲۴/۷/۵۹ حدود ۳۰۰ نفر از سربازان منفی خدمت ۵۶ را به عنوان سهمیه ژاندارمری به هوا منتقل میکنند هنگام ورود این سربازان به پایتخت، دکتر چمران به همراه یک روحانی سر می‌رسد و می‌گوید که "اینها برای من و سهمیه من هستند" () برای تربیت کماندو "در این موقع استوار ژاندارمری که برای تحویل گرفتن این سربازان بخت برگشته آمده بود، روی "سهمیه ژاندارمری" بودن سربازان تکیه میکند. ولی آقای چمران می‌گوید "من عضو شورای دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است". و بالاخره علیرغم تمایل خود سربازان، جناب چمران به "سهمیه" اش می‌رسد! سهمیه‌ای که بسیاری کشتار ارسال میشوند! ■

بقیه از صفحه ۸ افزایش...

خمپاره‌های عراقی بسیار بیشتر از روزهای دیگر بود. مدتی است که آنها ناحیه "بازرگان" را مورد اصابت خمپاره و راکت قرار داده‌اند مردم با زهم بیشتر و بیشتر از شهر خارج می‌شوند. آنچه این روزها بیشتر چشم می‌خورد اینست که مردمی که قبلاً به شهرستانهای شیراز، اصفهان، مراهمز و غیره رفته بودند اکنون پس از پیدا کردن جایی به آبادان با زگشته‌ها و نا شیخ خود را هم می‌برند. اغلب کارگران شرکت نفت و پارسا کارمندان که از وام مسکن استفاده کرده بودند و از شهرهای شیراز یا اصفهان خانه خریداری کرده بودند، اکنون که چنین موقعیتی پیش آمده به آن خانه‌ها اسباب‌کشی میکنند، و یا کارگرانی که ماه‌ها تا یکسال دیگر با زنشسته میشوند زهم اکنون مبادرت به اسباب‌کشی به شهرستانهای مذکور کرده‌اند. بزم مردمی که از راه مهرمز آمده بود. گریه‌کنان از وضع اسفبار مردم کوچ کرده در راه مهرمز، صحبت می‌کردند. او از شلوغی شهری و غذایی مردم تمسح می‌کرد و می‌گفت: "خمینی مملکت را با باد داد. این چه وضعی است که او درست کرده؟..."

دستگیری هواداران سازمان

در تاریخ ۵۹/۷/۱۸ که عده‌ای از هواداران سازمان بیکار در کوی بهمنشیر مشغول ورزش صبحگاهی بودند، ۲۰ نفر پاسدار متورسوار پس از چند بار دور زدن قصد دستگیری یکی از رفقا را میکنند، این پاسداران سرمایه‌هنکام دستگیری رفیق مذکور که قبلاً شنا سایی کرده بودند، با مقاومت سایر رفقایش روبرو شده و وطنی درگیری جزئی رفیق مورد نظر موفق به فرار مسود، دقایقی بعد تعدادی پاسدار مسلح به خانه آنها رفته و برادر و پدرش را بازداشت میکنند. در پاسدار خانه پس از گرفتن تعدادی در رفیق مبنی بر اینکه به محض مشاهده پسرش او را به پاسدارها تحویل دهد، آنها را آزاد میکنند. اما به هنگام خروج از پاسدار خانه برادر رفیق را که شنا سایی کرده بودند دوباره بازداشت میکنند (کویامبلا میدان استندیکه این رفیق برادر همان فردا ولی است چون در ورزش صبحگاهی هم دیده بودند. همین خاطر او را گرفتند) و پس از دستگیری او را به دادگاه تحویل میدهند. رفیق مذکور پس از ۲۴ ساعت بازداشت که در این مدت مورد اذیت و شکنجه پاسداران قرار گرفته بود، آزاد گردید. اکنون پاسداران ناحیه را تحت نظر دارند تا سایر رفقا را دستگیر کنند.

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی و عراق جنگ غیرعادلانه‌ای را بر تندها تحمیل کرده اند رژیم از سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست‌های پیکریک دم غافل نمی‌ماند چرا که به درستی میدانند دشمنان واقعی سیستمی که او را زآن حفظ و حراست میکنند، چه کسانی هستند.

بقیه از صفحه ۱ کودتایچان...

است افراد زیر همانهایی هستند که بقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" میخواستند کودتا کنند، عجب! چه شده است حالا دیگر کودتایچی و خدا سلام هستند این افراد عبا رتنند از ۱- سروان خلیان آنت (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصعبه شد ولی مجدداً در حمله وحشیانه رژیم به کردستان بکار گرفته شد، این فرد حسیزه کمانی است که در رابطه با کودتایچان دستگیر شده بود) ۲- سروان خلیان مهدی

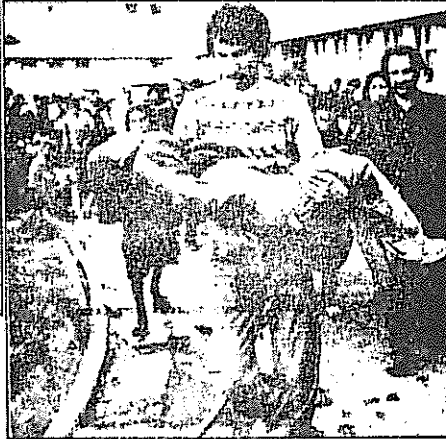
جنگی که رژیم‌های ارتجاعی برافروزند جز بزیان زحمتکشان نیست

آری رژیم عراقی زحمتکشان ما را با توبیاهی می‌کشد و تکه تکه می‌کند.

ما رژیم ایران نیز همین کار را می‌کند ولی آنرا از چشم مردم ما پنهان نگاه میدارد، رژیم وانمود می‌کند که هواپیماهای فانتوم آمریکا شی کاری به مناطق مسکونی و غیرنظامی ندارند ولی دروغ می‌گوید! عکس زیر یکی از مدها نمونه است:



یک مادر عراقی، کودک زخمی اش را در بیمارستان بصره دلداری میدهد. (نقل از شایم ۶ اکتبر)



"به جبهه جنگ شتافتن" خامنه‌ای!!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه خامنه‌ای که مرتباً از طریق رادیو و تلویزیون، مردم را "بسوی بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکند، برای برگشتن از هوازی که هواپیماهای اختصاصی ۸ نفره را کشته مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلفن احضار میکند، یک پزشک حاضر در فرودگاه از او میخواهد تا مریض مشرف به مرگ را با خود به تهران ببرد، خامنه‌ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلیان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه‌ای میگوید، چون باید با بدانش را همراه خودش ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

در زکدن اطلاعات نظامی ارتش برای عراقیها!

اهواز: یک قطار حامل ۷۰ یا ۸۰ واگن پر از مهمات و اسلحه بمحض رسیدن به ایستگاه با موسک عراقیها منهدم میگردد قطار دیگری که حامل مهمات و اسلحه برای اهواز بود، در نزدیکی اندیمشک منهدم میگردد. مسجدهای را مخفیانه با مهمات می‌کنند ولی شب همان مسجد با موسک منهدم میگردد. بدلیل نبودن مهمات و ترسیدن پشتیبانی و همچنین بعلت درجسال آماده‌باش بودن نیروهای عراقی یک شیخون ارتش ایران که با ۵ تانک انجام گرفت، کاملاً با شکست مواجهه میشود و هر ۵ تانک نابود میگردد.

افزایش روز افزون کوچ مردم نواحی جنگ زده

۵۹/۷/۲۱ شب گذشته آبادان شیب وحشتناک و دلهره‌آوری را گذراند، بر تپاب بقیه در صفحه ۷

۳- سروان خلیان ناجری ۳- سپهد مینوسپهر ۵- سرهنگ کیمیا کریم سرکرد بیدگلی ۷- سرکرد مکی ۸- سرکرد صباحت ۹- سرکرد خلیایی، خوبست بگوئیم سرگرد بیدگلی چه کسی است تا بیشتر آنرا بشناسیم: سرگرد بیدگلی کسی است که اویمی جلاد را با همایمی اف ۵ از ایران فراری داده و به اسرائیل رسانید.